

تعطیلی سینماهای کشور هم زمان با اربعین ۱۴۰۳



سینماهای کشور هم زمان با اربعین حسینی تعطیل می شوند. به گزارش مهر، محمد رضا صابری، سخنگوی انجمن سینماداران کشور، درباره تعطیلی سینماها در روز اربعین گفت: همه سینماهای کشور از ساعت ۱۹ شنبه ۲ شهریور

تا صبح دوشنبه ۵ شهریور هم زمان با اربعین حسینی تعطیل هستند. فیلم های «پول و پارتی»، «تگراس ۲»، «خجالت نکش ۲»، «ملاقات با جادوگر»، «یادگار جنوب»، «در آغوش درخت»، «مست عشق»، «ساعت ۶ صبح»، «روزی روزگاری آبادان»، «قلب رقه»، «تمساح خونی»، «شور عاشقی»، «سال گریه»، «عطرآلود»، «سفر پرمجار»، «ایلیا، در جست وجوی قهرمان»، «مصائب شیرین ۲»، «روایت ناتمام سیما»، «آبی روشن»، «نوروز»، «کوچه زاپسی ها» و «آسمان غرب» روی پرده سینماها درحال اکران هستند. همچنین فیلم «خانه شیشه ای» از امروز ۳۱ مرداد اکرانش را آغاز می کند. فیلم های «مهمانی سایه ها»، «در جهنم باران نمی بارد»، «تدفین»، «۷۶۰۰» و «لاله کیود» نیز در گروه سینمایی «هنروتجربه» روی پرده سینما هستند.

تعطیلی سالن های نمایش هم زمان با اربعین حسینی



به دلیل فرارسیدن اربعین حسینی، نمایش های سراسر کشور به مدت دو شب روی صحنه نمی روند. به گزارش شهرآر، بنا بر اعلام شورای نظارت و ارزشیابی، نمایش های سراسر کشور از اذان مغرب شنبه ۲ شهریور تا پایان روز یکشنبه ۴ شهریور روی صحنه نمی روند. در این محدوده زمانی، نمایش های مذهبی و مناسبتی طبق روال می توانند به اجرای خود ادامه دهند. اجرای دوباره نمایش ها از دوشنبه ۵ شهریور بلامانع است.

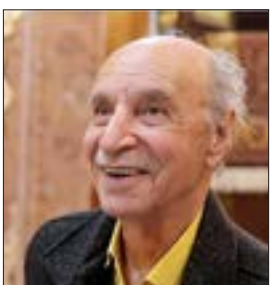
اکران «شور عاشقی» در مسیر راهپیمایی اربعین



هم زمان با اکران سینمایی فیلم «شور عاشقی» به تهیه کنندگی و کارگردانی داریوش باری، این فیلم در قالب پخش سیار مؤسسه بهمن سبز در خارج از مرزهای ایران در مسیر پیاده روی نجف تا کربلا برای راهپیمایان اربعین حسینی به نمایش درآمد.

«شور عاشقی» با جذب ۴۶ هزار مخاطب در سینماهای ایران و ۴۰ هزار مخاطب در پخش سیار توانسته است تاکنون بیش از یک و نیم میلیارد تومان بفروشد. طرح سینما اربعین مؤسسه بهمن سبز با چهار فیلم سینمایی «شور عاشقی»، «اخت الرضا»، «هناس» و «ایلیا، در جست وجوی قهرمان» در دوازده روز از ۲۳ مرداد تا ۳ شهریور میزبان زائران حسینی در موکب هادر عمود ۷۰۷ و ۹۰۹ مسیر نجف تا کربلاست.

هوشنگ حریرچیان، بازیگر پیشکسوت، درگذشت



هوشنگ حریرچیان، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون، دارفانی را وداع گفت. به گزارش خبرگزاری مهر، حسن اکلیلی، بازیگر و کارگردان تلویزیون، در صفحه مجازی اش خبر درگذشت هوشنگ حریرچیان را تایید کرد و نوشت که

هوشنگ حریرچیان آسمانی شد. حریرچیان متولد ۱۳۱۱ بود و فعالیت هنری اش را از دی ۱۳۲۶ در تئاتر اصفهان آغاز کرد. این بازیگر پیشکسوت که تجربه حدود شش دهه فعالیت هنری را در کارنامه داشت، در فیلم هایی مانند «جعفرخان از فرنگ برگشته»، «قرش باد»، «یک بوس کوچولو»، «قاعده بازی» و «دو خواهر» به ایفای نقش پرداخته بود. وی همچنین در سریال های «خطاهای چون»، «هشت بهشت»، «تنگ سپری»، «آشپزباشی»، «ساختمان پزشکان» و «یزمان» بازی کرده بود.

«یازده یازده» در راه رومانی



فیلم سینمایی «یازده یازده» به کارگردانی ارش رحمانی به بخش مسابقه جشنواره فیلم های علمی تخیلی IMAGINARIUM رومانی راه پیدا کرد. این جشنواره به صورت فیزیکی و آنلاین با نمایش فیلم های علمی تخیلی از ۱۳ تا ۲۲ سپتامبر برگزار می شود.

گیتی قاسمی در سریال «روزهای روشن»



نخستین تصویر از گیتی قاسمی در سریال «روزهای روشن» به کارگردانی وحید امیرخانی منتشر شد. این سریال شصت و پنج قسمتی حال وهوایی از دهه هفتاد را به نمایش می گذارد.

هنرمندان و پژوهشگران موسیقی نواحی از بی توجهی به ظرفیت های

مشهد برای تبدیل شدن به پایگاه موسیقی مقامی کشور می گویند



نوا۱ رو به سکوت

عکس:تصویر افکی شهروار

توجه نمی شود، اما واقعیت این است که موسیقی با هنرمندو جامعه در ارتباط است. این وسط عواملی که می توانند این ارتباط را تخریب کنند، صرفا عوامل موجود در موسیقی نیستند، مثلا همان طور که گفتیم، رسانه خیلی می تواند تأثیر داشته باشد. اگر آموزشگاه های موسیقی هنرمندانه و با تفکر و اندیشه به این مسئله نگاه کنند، قطعاً می توانند نقش بسیار بزرگی را ایفا کنند.

ناآشنایی مدیران فرهنگی با هنر موسیقی در ادامه، هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی نواحی و آیینی ایران، بر ضرورت نگاه حرفه ای مسئولان مشهد به موسیقی اشاره می کند و می گوید: تا وقتی نگاه مسئولان به موسیقی نگاه درستی نباشد، کار چندانی نمی توان از پیش برد. اگر مسئولان همت کنند و موسیقی خراسان را ارتقا دهند و از آن درست نگهداری کنند، بهترین کار است.

او می گوید: تقریباً نسل بخشی ها در خراسان از بین رفته است و دستگاه ها و مدیران فرهنگی عین خیالشان هم نیست، به این دلیل که آن ها با این میراث آشنا نبوده اند و نیستند. به سختی می توان یک بخشی دوتار به دست پیدا کرد که خودش شاعر هم باشد. درحالی که این میراث باید نگه داشته و بازسازی می شد، باید بتوانیم چنین آدم هایی را پرورش دهیم.

جاوید می افزاید: کسی که خودش هم آهنگ ساز باشد، هم شاعر و هم نوازندگی کند، هنرمند کامل است. نسل هنرمندان کامل از بین رفت، بدون اینکه به آن ها توجه کنند. حتی به بعضی از این هنرمندان بعد از مرگشان درجه هنر می دادند، مانند استاد ذوالفقار عسگری پور، استاد کریم زاده و استاد پورعلیایی، چرا باید این اتفاق بیفتد؟ الان هزار نفر در استان دوتار می زنند، ولی هیچ کدامشان خود بند نیستند، یعنی هیچ کدامشان نه خاوند، نه آهنگ ساز و فقط سازی می زنند. آن چیزی که می زنند هم فقط ۶ تا ۷۰ درصد از میراث هنر گذشته است. بنابراین، وقتی موقعیت موسیقی خود استان متزلزل شود، چطور می توان انتظار داشت که موسیقی دیگر اقوام را در خودش رشد دهد؟!

یافته وبه دلیل کش دارشدن، کیفیتش کم شده است. سومین فصل از سریال «زخم کاری» با مشکلاتی جدی در زمینه گر افکنی دست به گریبان است. شخصیت های این مجموعه در موقعیت هایی قرار می گیرند که از لحاظ منطقی و روایی پذیرفتنی به نظر نمی رسند. برخی تغییرات در شخصیت ها و روابط میان آن ها به صورت غیر واقعی وبه علت نیاز به پیشبرد داستان طراحی شده اند که باعث می شوند مخاطب احساس کند که این تغییرات مصنوعی اند و به زور به داستان افزوده شده اند. شخصیت های باهوش و پیچیده ای که در هر قسمت از فصل اول مخاطبان سریال را بازنند های زیگانه خود شگفت زده می کردند، در فصل سوم به شکلی غیر منطقی و ابلهانه به تصویر کشیده شده اند. این امر به تضعیف شخصیت ها و کاهش تأثیرگذاری آن ها در داستان منجر شده است. به نظر می رسد که سازندگان برای ایجاد درام و تنش بیشتر، به تصنعی کردن روابط و شخصیت ها روی آورده اند. اساساً اشتباهات استراتژیک مالک و سمیرا در این فصل، آن ها را به عنوان دو شخصیت کم هوش و نادان جلوه می دهد که از شخصیت فصل اول آن ها کاملاً فاصله دارد.

پروژه پر مشقت اقتباس

یکی از مشکلات دیگر فصل سوم، ضعف در فرایند اقتباس و استفاده از داستان های فرعی است. به نظر می رسد که تلاش های زیادی برای اضافه کردن پیچیدگی های جدید به داستان انجام شده است، اما این پیچیدگی ها به نظر بیشتر مصنوعی اند و پذیرفتنی نیستند. اساساً تبدیل کردن درام های شکسپیر به یک سریال ایرانی، خود به خود کار دشواری است، اما در فصل سوم «زخم کاری» این کار به صورت کاملاً سهل انگارانه انجام شده است.

نهاد های متولی به ویژه در شهرهایی مانند مشهد که ظرفیت های هنری قوی دارند، باید کاربلد باشند یا دست کم به این حوزه علاقه مند باشند. مدیرانی داشتیم که حتی ابا داشتند از اینکه با انجمن موسیقی که خود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنیان گذار آن است، جلسه تشکیل دهند. او می افزاید: هر هنری از جمله موسیقی سطح نگرش مخاطب خیلی بر کیفیت و ماندگاری هنر های دیرینه مؤثر است. الان می بینید چه بر سر سینمای ایران آمده است که برای خندانن مردم به هر شیوه ای دست می زند. سینما ممکن است بتواند خودش را باز یابی کند، ولی اگر این انقطاع برای موسیقی به وجود بیاید، نمی تواند خودش را پیدا کند و بخش های عمده ای از آن فراموش می شود. همچنان که بسیاری از مقام دان های موسیقی خراسان مانند بخشی ها از بین رفتند و کنجینه ای را با خودشان به گور بردند، بدون اینکه متولیان امر حتی یک نسخه از دانسته های آن ها ضبط کرده باشند.

نقش رسانه ها و هنرمندان موسیقی او ادامه می دهد: تأثیر دیگری که مسئولان در موسیقی دارند را در موسیقی ای که از رسانه ها پخش می شود، می توان مشاهده کرد. متأسفانه رسانه های ما مرکز موسیقی بد هستند، یعنی موسیقی ای که از لحاظ فنی و ساختاری به هیچ بنیان و ریشه ای متصل نیست، این نوع موسیقی به کرات از رسانه هایمان پخش می شود. مخاطبان با ارتقای سطح سلیقه خود می توانند از هنرمندان به ویژه در بخش موسیقی مقامی که آسیب پذیر تر است، حمایت کنند. متولیان هم اگر لطفی به موسیقی داشته باشند، می توانند یک گوشه کار را بگیرند. از مدیر سابق ارکستر سمفونیک رودکی با اشاره به اینکه هنرمندان و آموزشگاه های موسیقی نیز می توانند نقش بسیار بزرگی در این باره داشته باشند، می گوید: اگر نگرش مدیران آموزشگاه های موسیقی و مدرسان موسیقی صرفاً اقتصادی باشد، نه تنها بر رشد و ارتقای موسیقی مقامی بی تأثیر است، بلکه حتی ممکن است مضر هم باشد. البته خوشبختانه در مشهد نگاه بسیاری از همکاران مادر آموزشگاه ها، هنری است. خود من تا الان همواره از این گله مند بودم که چرا به موسیقی مقامی

تشکیل شده و نام هایی مانند ده، بخش و شهر به خود گرفته اند. به مرور موقعیت مکانی برای مهاجرت دیگر اقوام و پذیرش فرهنگ های آن ها را نیز فراهم کرده اند. در این میان، مناطقی مانند مشهد که جذاب به هایی ویژه مثل بارگاه امام رضا (ع) دارند، می توانند از تنوع و کثرت و جایگاه هنری والایی برخوردار شوند. زمانی ما در همین مشهد موسیقی قولای پاکستانی را داشتیم با موسیقی افغانستانی که هنوز هم در مشهد وجود دارد. این فرهنگ ها و موسیقی های آن ها ظرفیتی بسیار عظیم است که اگر تاکنون درباره آن برنامه ریزی درستی انجام می شد، می توانست این شهر را به عنوان پایگاهی برای موسیقی مقامی کشور مطرح کند.

این هنرمند که دانش آموخته رشته آهنگ سازی از دانشگاه کی یف اوکر این است، می افزاید: با وجود این، صرف وجود این ظرفیت ها نمی تواند مؤید شکل گیری پایگاهی خاص برای موسیقی اقوام در مشهد باشد. برای استفاده از این ظرفیت به تغییر نگرش و برنامه ریزی مسئولان نیاز داریم. در واقع مهم این است که بتوانیم ظرفیت های با بقوه را بالفعل کنیم، اما متأسفانه نزدیک به دوه دهه است که نمودار موسیقی اقوام در مشهد سیری نزولی دارد و حتی در مقایسه با شهر های کوچک اطراف سعی نشده است از این ظرفیت دست کم به فراخور ارزشی که می توانست برای این شهر به وجود بیاورد، استفاده شود. از سوی دیگر، می دانیم که مشهد به یکی از شهر هایی تبدیل شده است که موسیقی های زیرزمینی در آن رشد کرده اند، اما موسیقی هایی که از نظر فرهنگی با موسیقی مقامی فاصله دارند، البته من بسیاری از همین موسیقی های را که زیرزمینی نام گرفته اند، محترم می شمارم، چون هنرمندان شان کارشان را بلدند.

بی توجهی به موسیقی مقامی و رشد زیرزمینی ها

حقوق در پاسخ به اینکه چه حمایت هایی برای رسیدن به این جایگاه باید از هنر موسیقی مقامی در مشهد صورت بگیرد، می گوید: هنر در هیچ کشوری معمولاً این طور نیست که حتما متولی دولتی داشته باشد. کافی است هنر آزادی عمل داشته باشد و از سوی دیگر، متولیان آن نگاه تخصصی داشته باشند. مدیران

موضوع تنوع بسیار خوبی را در اجرا های موسیقی در مشهد به وجود آورده است. مثلاً جنوبی های ساکن مشهد با ساز های محلی مانند نی انبان و ساز های کوپه ای با هنرمندان بلوچستان با ساز هایی مانند قیچک و ریاب در محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی به اجرا می پردازند. این هنرمند که ابداع ساز «دوتار یاس» را نیز در کارنامه دارد، می افزاید: اگر مسئولان نگاهی ویژه به این موضوع داشته باشند، مشهد می تواند به پایگاه مستحکمی برای موسیقی فولکلور کشور تبدیل شود. این درحالی است که ما از موسیقی محلی خود مان غافلیم، چه برسد به موسیقی دیگر اقوام، ما حتی توانسته ایم یک آرشبو کامل از موسیقی محلی و مقامی خود مان تهیه کنیم.

اهتمام مسئولان به انتقال میراث موسیقایی مشهد تنها تأکید می کند: اگر مسئولان حمایت کنند، می توانیم برنامه ریزی هایی هم برای موسیقی مقامی خود مان و هم برای موسیقی اقوام مختلفی که در استان حضور دارند، داشته باشیم. ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری ها، میراث فرهنگی و دیگر نهاد هایی که با فرهنگ و هنر ارتباط دارند، می توانند کمک کنند تا استان در موسیقی اقوام ایرانی پیشواز شود و پایگاهی برای موسیقی اقوام کشور باشد.

او می افزاید: آموزشگاه های موسیقی نیز با توجه به کارکردی که در آموزش موسیقی به نسل های آینده دارند، نقش مؤثری برای گسترش این نوع موسیقی دارند. متأسفانه اکنون فقط یکی دو آموزشگاه در مشهد فعال اند که به صورت تخصصی به موسیقی محلی و مقامی استان می پردازند. هنرمندان محلی هم اکنون به دلیل حمایت نداشتن و حامی نداشتن توان چندانی برای فعالیت های هنری ندارند.

ظرفیت های با بقوه را بالفعل کنیم

محمد حق گو، موسیقی دان، آهنگ ساز و نوازنده سنتور، نیز در پاسخ به اینکه مشهد به تنوع جمعیتی و قومیتی اش چه جایگاهی در موسیقی مقامی ایران دارد، می گوید: همه جوامع انسانی که از کنار هم جمع شدن مردمانی

الهام ظریفیان

وجود مضجع شریف حضرت رضا (ع) در مشهد و همچنین موقعیت جغرافیایی این شهر در آسیای میانه، آن را در طول تاریخ به یکی از مقاصد مهاجرت اقوام و گروه های جمعیتی از مؤمنان و شیعیان سرزمین های اطراف تبدیل کرده است. این اقوام از دیرباز فرهنگ ها و هنر هایشان را نیز با خود به مشهد می آورده اند و در سایه امنیت فرهنگی و هنری شهر میزبان، به رشد و توسعه آن همت می گماردند. چنان که گویی جشنواره ای دیگر اقوام، ما حتی توانسته ایم یک آرشبو کامل از موسیقی محلی و مقامی خود مان تهیه کنیم.

تنوع موسیقی اقوام در مشهد عزیز تنها، دوتار نواز شناخته شده تربت جامی و مؤلف نخستین کتاب آموزش کلاسیک دوتار به روش نت نویسی، با بیان اینکه کمتر منطقه ای مانند خراسان و مشهد را می توان سراغ گرفت که قومیت ها و فرهنگ های مختلف و متنوعی مانند کرد، ترک، عرب، فارس، کرمانج، ترکمن، بلوچ و... در آن سکونت داشته باشند، حتی حضور هنرمندان کشورهای دیگر مانند افغانستان در این منطقه که موسیقی محلی آن ها به موسیقی محلی به ما نزدیک است، مجموعه موسیقایی بسیار خوبی در استان به وجود آورده است. این اقوام همگی دارای فرهنگ ها، باور ها و همچنین موسیقی های محلی و مقامی خودشان هستند. هر کدام از این اقوام از ساز های محلی مختص منطقه خودشان استفاده می کنند که این



تنوع موسیقی اقوام در مشهد

عزیز تنها، دوتار نواز شناخته شده تربت جامی و مؤلف نخستین کتاب آموزش کلاسیک دوتار به روش نت نویسی، با بیان اینکه کمتر منطقه ای مانند خراسان و مشهد را می توان سراغ گرفت که قومیت ها و فرهنگ های مختلف و متنوعی مانند کرد، ترک، عرب، فارس، کرمانج، ترکمن، بلوچ و... در آن سکونت داشته باشند، حتی حضور هنرمندان کشورهای دیگر مانند افغانستان در این منطقه که موسیقی محلی آن ها به موسیقی محلی به ما نزدیک است، مجموعه موسیقایی بسیار خوبی در استان به وجود آورده است. این اقوام همگی دارای فرهنگ ها، باور ها و همچنین موسیقی های محلی و مقامی خودشان هستند. هر کدام از این اقوام از ساز های محلی مختص منطقه خودشان استفاده می کنند که این

گوری که در آن جنازه های نیست

نگاهی به فصل سوم «زخم کاری»، اثر محمد حسین مهدویان



گسترش داستان، این فصل با افت های قابل توجهی روبه رو شد. در فصل دوم، کیفیت داستان به شکلی چشمگیر بد شد، برخی شخصیت ها به صورت سطحی و بدون عمق لازم به تصویر کشیده شدند و روابط بین آن ها به جای پیچیدگی های جذاب، به سادگی و تکرار رسید. ضعف مفرط در دیالوگ نویسی و کاهش کیفیت روایی در پیشبرد داستان باعث شد که مخاطبان احساس کنند داستان به ورطه تکرار و کش دارشدن افتاده است. تغییرات در لحن و فضاسازی نسبت به فصل اول، به منطبق نشدن با انتظارات مخاطبان منجر شد. این تغییرات به شکلی بود که به نظر می رسید هدف اصلی فصل دوم در ایجاد داستانی جدید و جذاب ناکام مانده است. مهم تر از همه این ها، کم رنگ شدن قهرمان فصل اول، یعنی شخصیت مالک مالکی، ضربه ای سهمگین بر پیکره فصل دوم این مجموعه وارد آورد.

تنفس مصنوعی به قصه

از حدود سه ماه قبل، فصل سوم سریال «زخم کاری» که با عنوان فرعی «انتقام» منتشر شده، تلاشی برای ادامه داستان و احیای ظرفیت های دراماتیک فصل اول این مجموعه بوده است. در این فصل، جواد عزتی و نقش مالک مالکی دوباره به متن قصه برگشته است. با این حال، این فصل هم با مشکلات و نقاط ضعف جدی روبه روست که بر کیفیت کلی آن تأثیرگذار بوده است. فصل سوم نشان می دهد که حتی اگر داستان به پایان منطقی خودش رسیده باشد، باز هم سازندگان این مجموعه به دنبال کش دار کردن قصه هستند تا بتوانند روی موفقیت فصل اول و کاریزمای ذاتی جواد عزتی و رعنآزادی و رومانورد بدهند. این تلاش برای ادامه داستان به هر قیمتی، به ایجاد حس تکراری و مصنوعی بودن داستان انجامیده است. مخاطبان احساس می کنند که داستان بیشتر از حد لازم ادامه

در حسرت آن درام سرحال

در میان سریال هایی که در طول تاریخ شبکه نمایش خانگی از این رسانه پخش شده اند، فصل اول سریال «زخم کاری» به کارگردانی محمد حسین مهدویان، فیلم ساز با استعداد و جوانی که در اوایل دهه نود با فیلم های «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز» خوش درخشید و برای خودش اسم و رسمی دست و پا کرد، یکی از موفق ترین پروژه ها بود. فصل اول این سریال با داستانی جذاب و پیچیده، شخصیت های چند بعدی و درام اجتماعی قوی توانست نظر مثبت منتقدان و مخاطبان را جلب کند. داستان این فصل حول محور رقابت های خانوادگی و اقتصادی می چرخید و با بهره گیری از ساختاری قوی و روایتی پرکشش، به یکی از نقاط عطف در تولید سریال های ایرانی تبدیل شد. فصل دوم «زخم کاری» اما به دلیل مشکلاتی که در روند ساخت و توسعه قصه داشت، نتوانست موفقیت های فصل اول را تکرار کند. با وجود تلاش های مداوم برای

نقد روز

شبکه نمایش خانگی ایران در سال های گذشته به مهم ترین پلتفرم تولید و پخش محتوای نمایشی تبدیل شده است. این رسانه نسبتاً نوپا که امروز در ایران طرف دارانی پر شمار دارد، تقریباً هر ماه با معرفی سریال های جدید و متنوع، مخاطبان اش را همراه نکه می دارد. سابقه ای رسانه اما نشان می دهد که تکرار موفقیت یک سریال خانگی تقریباً غیر ممکن است و بیشتر سریال هایی که برای فصل های دوم و سوم تمدید می شوند، کیفیتشان را تا حد زیادی از دست می دهند. سریال «زخم کاری» نیز در زمره همین مجموعه ها قرار می گیرد که کیفیت فصل اول آن قابل مقایسه با فصول بعدی نیست.